رویش روان شناسی، سال۱۴، شماره ۱۲، شماره پیاپی ۱۱۷، اسفند ۱۴۰۴
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),14(12), 2026

ازدواج‌های پر خطر از نگاه مشاوران خانواده: یک مطالعه کیفی

High-Risk marriages from the perspective of family counselors: A qualitative study

میترا الهی
کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه روان شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
محمد حسن آسایش (نویسنده مسئول)
دانشیار، گروه روان شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
سمیه شاهمرادی
استادیار، گروه روان شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Mitra Elahi
Master's Degree in Family Counseling, Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
Mohammad Hassan Asayesh *
Associate Professor, Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. asayesh@ut.ac.ir
Somayeh Shahmoradi
Assistant Professor, Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر به شناسایی عوامل مؤثر بر بروز ازدواج‌های پر خطر از دیدگاه مشاوران خانواده با رویکرد کیفی پرداخته است. میدان پژوهش شامل مشاوران خانواده فعال در شهرهای تهران و مشهد در سال ۱۴۰۲ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۱ مشاور با حداقل ۵ سال تجربه کاری و مدرک دکتری مشاوره انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و با روش تحلیل مضمون براون و کلارک تحلیل شدند. یافته‌ها سه مضمون اصلی را نشان داد: عوامل درون‌فردی (آسیب‌های روان‌شناختی، اختلالات روان‌شناختی، ناهماهنگی شخصیتی، مسائل جسمانی - بیولوژیکی، انتخاب تک‌بعدی، ضعف بلوغ اقتصادی)، عوامل بین‌فردی (تعارض با خانواده اصلی، تعامل معیوب با همسر، تمایز نیافتگی، عدم تعهد، رفتارهای آسیب‌زا) و عوامل برون فردی (ازدواج مصلحتی، آگاهی ناقص، عدم کفویت، عدم آمادگی برای ازدواج). نتایج حاکی از آن است که ازدواج‌های پر خطر تحت‌تأثیر عوامل شخصی، تعاملی و محیطی قرار دارند و توجه به این عوامل در مشاوره پیش از ازدواج و زوج‌درمانی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: *تحلیل مضمون، ازدواج پر خطر، مشاوران خانواده، مطالعه کیفی.*

Abstract

The present study has identified the factors affecting the occurrence of high-risk marriages from the perspective of family counselors using a qualitative approach. The research population consisted of active family counselors in Tehran and Mashhad in 1402. Using purposive sampling, 21 counselors with at least five years of experience and a PhD in counseling were selected. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using Braun and Clarke's thematic analysis method. The findings revealed three main themes: intrapersonal factors (psychological trauma, psychological disorders, personality incompatibility, physical-biological issues, one-dimensional partner selection, and economic immaturity) , interpersonal factors (conflict with the family of origin, dysfunctional spousal interaction, lack of differentiation, lack of commitment, and harmful behaviors), and extrapersonal factors (convenience-based marriage, insufficient awareness, lack of compatibility, and unpreparedness for marriage). The results indicate that high-risk marriages are influenced by personal, interactional, and environmental factors, highlighting the necessity of addressing these factors in premarital counseling and couple therapy.

Keywords: *Thematic Analysis, High-Risk Marriage, Family Counselors, Qualitative Study.*

نوع مقاله : کیفی | **دریافت : تیر ۱۴۰۴** | **پذیرش: آذر ۱۴۰۴** | **ویرایش نهایی: اسفند ۱۴۰۴**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

مقدمه

ازدواج به‌عنوان پیوندی حقوقی بین زن و شوهر است که بایستی باعث ایجاد رابطه رضایت‌بخش شود و به‌موجب آن رضایت‌بخشی، سلامت جسم و روان زوجین را به همراه داشته باشد (آسایش و وکیلی، ۱۳۹۵). به عبارتی، ازدواج نیاز اساسی انسان به حمایت عاطفی و همراهی را برآورده می‌کند و مطالعات نشان می‌دهد که روابط زناشویی پایدار به طور قابل‌ملاحظه‌ای سلامت روانی را با ارائه احساس امنیت و تعلق افزایش می‌دهد (شیفاو[1]، ۲۰۲۴). در این میان، ازدواج‌هایی وجود دارند که رابطه زوجی را به عدم موفقیت و نارضایتی می‌کشانند و به‌عبارت‌دیگر، در آن‌ها عوامل و شرایطی وجود دارد که باعث بروز مسائل و چالش‌های جدی بین زوجین شده و می‌تواند بر سلامت عاطفی و روانی زوجین تأثیرگذار باشد (آسایش، ۱۳۹۶). بنابراین، پیوندی که در آن رابطه زوجی ناکارآمد و یا به واسطه آن طرفین مشمول آسیب‌های عاطفی و روانی شوند را می‌توان جزء ازدواج‌های پر خطر قلمداد کرد.

این نوع ازدواج‌ها معمولاً تحت‌تأثیر عوامل مختلفی از قبیل عوامل شخصی - فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار دارند، به طور مثال، در مطالعه محمد جانی و فاضلی (۱۴۰۳) و به ویژگی‌های شخصیتی، روانی، جمعیت‌شناختی و جسمی که جزء عوامل فردی به‌حساب می‌آیند، اشاره شده است که به‌صورت جزئی‌تر، می‌توان به نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی، سوءظن و بدبینی (دهقانیان و همکاران،۲۰۲۳)، مشکلات شخصیتی، مهارت‌های نادرست ارتباطی، احساسات تنش‌زای درونی (رودیگز و تامسون[2]، ۲۰۲۴)، بیماری‌های مقاربتی، اختلال در عملکرد جنسی (زنوزیان و همکاران[3]، ۲۰۲۴)، تفاوت‌های شخصیتی (سیتینجاک[4]، ۲۰۲۵)، آسیب‌های روان‌شناختی دوران کودکی (تانبوی و اوزدمیر[5]، ۲۰۲۴) اشاره کرد. عوامل اجتماعی مؤثر همانند ازدواج تحمیلی، دلبستگی به خانواده مبدأ و دخالت آنان، نحوه رابطه زوجین (عشق زوجین، تعهد زوجین و صمیمیت زوجین)، اختلاف نگرش بر سر نقش‌های جنسیتی، سن زوجین در هنگام ازدواج (رمضانی‌فر و همکاران، ۱۴۰۰)، مثلث‌سازی در خانواده اصلی (سانگ و همکاران[6]، ۲۰۲۲)، مداخله شخص ثالث در مسائل زوجین، بحران اخلاقی (لتیفا و ریتتانگ[7]، ۲۰۲۲)، عدم احترام متقابل و اختلال در ادراکات نقش‌های خانوادگی (سعاده و همکاران[8]، ۲۰۲۴) هستند. با بررسی پژوهش‌های پیشین، عوامل فرهنگی اثرگذار در ازدواج پر خطر به اختلاف اعتقادی - مذهبی، تضاد فرهنگی، اختلاف تحصیلاتی و الگوی زندگی (مارتینز و کیم[9]، ۲۰۲۴)، نظام درون خانواده (توزیع قدرت و سرمایه اجتماعی) (ذره‌پرور و بنی فاطمه شهربابکی، ۱۳۹۸)، تفاوت مذهبی همسران (لی و وانگ[10]، ۲۰۲۴)، سطح تحصیلات زوجین (ژانگ و لیانگ[11]، ۲۰۲۳)، اختلاف طبقاتی، شناخت شتاب‌زده، نبود آموزش پیش از ازدواج، باورها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب‌ورسوم (نصرتی و کریمی، ۱۴۰۱) اشاره دارد. در پژوهش اسمیت و براون[12] (۲۰۲۴) نیز به نقش شرایط اقتصادی مانند بیکاری مرد، تفاوت درآمدی، چالش‌های وضعیت شغلی در بروز طلاق و جدایی اشاره داشته است.

با استناد به پژوهش‌های گذشته دررابطه‌با ازدواج پر خطر، به مسائلی مانند عدم استقلال و بلوغ فردی، مشکلات روان‌شناختی، تعارضات زناشویی، مستقل نبودن از خانواده مبدأ، خیانت (گونزالز و پرز[13]، ۲۰۲۴)، روابط پیش از ازدواج، تفاوت سنی زوجین، میزان درآمد (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۷)، عدم رضایت از روابط جنسی، سن پایین، تحصیلات پایین، وضعیت شغلی همسر و سطوح پایین ارتباط، خطرات قابل‌توجهی را برای ثبات زناشویی دارند (پفلیجر و همکاران[14]، ۲۰۲۲)، سبک دلبستگی ناایمن، فقدان اقتصادی، اختلاف عقاید، شخص سوم/خیانت، سلامت روانی، فعالیت‌های کاری بیش از حد که باعث کاهش کیفیت زمان برای خانواده می‌شود، عدم توجه هر یک از طرفین (حاکیم و جانه[15]، ۲۰۲۴)، که سبب‌ساز تعارض و کشمکش میان زوجین می‌شود، موردبررسی قرار گرفته‌اند.

به‌نوعی بامطالعه پژوهش‌های انجام‌شده، می‌توان شرایط و عوامل اثرگذار در بروز ازدواج پر خطر را به سه عامل پیش از ازدواج، حین ازدواج و دوره پایانی زندگی مشترک تقسیم کرد (تقی‌زاده، ۱۴۰۳). عوامل پیش از ازدواج، به عوامل بافتی، اجتماعی، شخصی و فردی اشاره دارد، به‌گونه‌ای که معیارهای همسرگزینی، جایگاه و نقش همسر در زندگی زوجین، انتظارات، اعتقادات مذهبی و باورهای برخاسته از الگوهای فرهنگی و اجتماعی در پدیداری زناشویی پرتنش و خالی از کیفیت مؤثر می‌باشد و دیگر عامل مؤثر در این دوره به نقش عوامل عاطفی، روانی،

1 - Shifaw
2- Rodriguez & Thompson
3 -Zenoozian.et al
4 - Sitinjak
5 - Tönbül & Özdemir
6 - Song.et al
7 - Latifah & Ritonga
8 - Sa'adah.et al
9-Martinez & Kim
10 -Li & Wang
11 - Zhang & Liang
12 -Smith & Brown
13-Gonzalez & Perez
14 - Pflieger.et al
15 - Hakim & Jannah

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

شخصیتی و جسمی در سلامت رابطه زوجی و زناشویی اشاره دارد. عوامل دخیل در حین ازدواج و دوره پایانی زندگی مشترک به سبک‌های ارتباطی زوجین، خانواده‌های اصلی، شیوه مدیریت تعارض، شیوه تقسیم وظایف و قدرت درون خانواده ارتباط دارد.

با نظر به پژوهش‌های پیشـــین و مطالعه بر روی زوجین دارای تعارض و در مرحله جدایی، باتوجه‌به آنکه اکثر پژوهش‌ها در این حوزه به شـیوه کمی و آماری انجام شـده اسـت، به‌عنوان‌مثال، پژوهش محمدی (۱۴۰۰) به رابطه معنادار بین عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصـادی با تمایل به طلاق در زنان اشـاره داشـته اسـت و یا در پژوهش ترابی و همکاران (۱۴۰۰)، کیفیت زناشـویی را با باورهای ارتباطی، سـبک‌های دلبستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه قابل‌پیش‌بینی دانسته است، نپرداختن به دیدگاه شرکت‌کنندگان به‌صورت مستقیم و عدم بررسی بافت موردمطالعه خلاء این پژوهش‌ها محسوب می‌شود. تحقیقات متعدد دیگری نیز که به‌صورت کیفی انجام شده است، غالباً تجارب زوجین دارای تعارض را موردبررسـی قرار داده‌اند، نه تجربه و آرای متخصـصـان را؛ به‌عنوان‌مثال، در پژوهش (رهبری و همکاران،۱۴۰۰) که الگوهای ارتباطی زنان دارای تعارض زناشویی را مورد مطالعه قرار داده اند منجر به شناسایی الگوهای ارتباطی سازگارانه و ناسازگارانه در روابط آن‌ها شده است، بااین‌وجود، خلأ پژوهشی که نظر متخصصان ازدواج و زوج‌درمانی را در این امر از دیدگاه آنان به تصویر بکشاند، احساس می‌شد. بدین سبب، باتوجه‌به آنکه مشاوران و درمانگران تحصیلات مرتبط دانشگاهی را گذرانده‌اند و در حوزه‌های زوج‌درمانی و مشاوره طلاق دارای تجارب ارزنده‌ای می‌باشند، لذا پژوهش حاضر به بازپردازی دیدگاه آنان از ازدواج پر خطر پرداخته است.

اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش از آنجایی ناشی می‌شود که نرخ طلاق در ایران در سال ۱۴۰۳ به ۲.۳ مورد در هر ۱۰۰۰ نفر رسیده و در هفت ماه نخست سال، حدود ۳۹ درصد ازدواج‌ها به طلاق منجر شده است،

و ازدواج‌های پرخطر به عنوان یکی از عوامل اصـلی این پدیده، نیازمند بررسـی عمیق از دیدگاه متخصـصـان اسـت. با توجه به اینکه اکثر پژوهش‌های پیشین بر تجارب زوجین تمرکز داشته‌اند و کمتر به آرای مشاوران خانواده پرداخته‌اند، این مطالعه خلأ موجود را پر می‌کند و درک جامعی از عوامل مؤثر ارائه می‌دهد تا در بسـتر اجتماعی-فرهنگی ایران، ، با شـناسـایی عوامل پنهان به کاهش آسـیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از طلاق کمک کند (محمدجانی و فاضلی، ۱۴۰۳).

از نظر کاربردهای نظری ، یافته‌ها می‌تواند به غنی‌سازی ادبیات روان‌شناسی خانواده کمک کند و مدل‌های تحلیلی جدیدی پیشنهاد دهد، مانند یکپارچه‌سازی عوامل درون‌فردی، بین‌فردی و برون‌فردی با چارچوب‌های نظری مانند نظریه بوئن در سیستم‌های خانوادگی.

در بعد عملی، نتایج می‌تواند در طراحی برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج، زوج‌درمانی و مشاوره طلاق مورد استفاده قرار گیرد؛ برای مثال، مشـاوران می‌توانند با تمرکز بر این عوامل، ابزارهای غربالگری مؤثرتری توسـعه دهند و سـیاسـت‌گذاران این حوزه از آن برای تدوین دوره‌های آموزشی بهره ببرند.

روش

باتوجه‌به اینکه هدف اصلی این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر بروز ازدواج پر خطر از دیدگاه مشاوران خانواده است، نیاز به مفهوم‌سازی تجارب و آموخته‌های آن‌ها احساس می‌شود. در این راستا، مناسب‌ترین رویکرد برای پاسخ به پرسش پژوهش، روش کیفی است. پژوهش کیفی با تأکید بر زمینه، دیدگاه، معنا و ذهنیت، دریچه‌ای منحصـربه‌فرد برای کاوش و تفسـیر پیچیدگی‌های پدیده‌های اجتماعی ارائه می‌دهد که در تقابل با تحقیقات کمی اسـت. تحقیق کیفی بر عمق و غنای زمینه و صـدا در درک پدیده‌های اجتماعی تأکید می‌کند و هدف آن آشـکارکردن «چرا»، «چه موقع»، «چه کسی»، «پشت رفتارهای اجتماعی» و «چگونه» است (لیم[1]، ۲۰۲۴). تحقیق کیفی شامل روش‌های مختلفی همچون پدیدارشناسی، تحلیل مضمون، نظریه زمینه‌ای می‌باشد (مونارو و همکاران[2]، ۲۰۲۲). در ادامه به توصیف روش تحقیق این پژوهش می‌پردازیم.

تحلیل مضمون[3] روش تحقیقی است که برای شـناسـایی و تفسـیر الگوها یا مضـامین موجود در یک مجموعه‌داده اسـتفاده می‌شـود و اغلب منجر به بینش و درک جدید می‌گردد . روش تحلیل مضمون به شناسایی، استخراج، سازمان‌دهی و تفسیر مضامین نهفته در داده‌ها می‌پردازد. این روش به تحلیل و تفسـیر الگوهای معانی در داده‌های کیفی تمرکز دارد و به پژوهشـگران کمک می‌کند تا الگوهای موجود در داده‌های خود را شـناسـایی و تحلیل کنند. این روش به پژوهشـگران امکان می‌دهد تا درک عمیق‌تری از معانی و الگوهای موجود در داده‌های کیفی خود پیدا کنند (براون و کلارک،۲۰۰۶).

میدان پژوهش این تحقیق شـامل کلیه مشـاوران خانواده فعال در شـهرهای تهران و مشـهد در سـال ۱۴۰۲ بود. انتخاب همزمان تهران و مشـــهد به دلیل تنوع فرهنگی بالای تهران (به عنوان اولویت پژوهشـــی) و عدم همکاری تعدادی از مشـــاوران انتخاب شـــده در شـــهر تهران و

1 -Lim
2 - Monaro.et al
3 -thematic analysis

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

دسترسی به مشاوران در مشهد (برای نمایندگی از شهرهای بزرگ دیگر) مصاحبه صورت گرفت. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری هدفمند[1] استفاده گردید به صورتی که شرکت‌کنندگان از طریق معرفی همکاران، مراکز مشاوره و جستجو در لیست مشاوران ثبت‌شده در سازمان نظام روان‌شناسی شناسایی شدند.در مجموع با ۲۱ نفر از مشاوران مصاحبه نیمه‌ساختاریافته[2] انجام شد. که از این تعداد، ۱۹ نفر در تهران و ۲ نفر در مشهد بودند. معیارهای ورود به این تحقیق شامل: ۱- داشتن مدرک دکتری مشاوره، ۲- حداقل ۵ سال تجربه کاری و تخصص در زمینه مشاوره پیش از ازدواج، زوج‌درمانی و مشاوره طلاق بود. همچنین، عدم همکاری شرکت‌کنندگان به‌عنوان ملاک خروج از پژوهش در نظر گرفته شد. . مصاحبه‌ها در سال ۱۴۰۲، عمدتاً تلفنی (به دلیل فاصله جغرافیایی) انجام شد و مدت هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۵۰ دقیقه بود. در ابتدا مصاحبه‌ها با ۱۸ نفر انجام شد و برای اطمینان از اشباع داده‌ها، با ۳ نفر دیگر نیز مصاحبه صورت گرفت. پس از ۱۸ مصاحبه، داده‌ها تکراری شدند و مصاحبه‌های اضافی داده جدیدی اضافه نکردند درنهایت، مجموعاً با ۲۱ نفر مصاحبه انجام شد.

ابزار سنجش

به دلیل ماهیت کیفی این پژوهش و هدف آن در کشف و بررسی موضوع موردنظر، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. پس از اینکه افرادی که دارای معیارهای مشخص برای ورود به پژوهش بودند انتخاب شدند، این افراد از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته موردبررسی قرار گرفتند. قبل از انجام مصاحبه، اطلاعات مربوط به تحصیلات و سابقه کاری شرکت‌کنندگان جمع‌آوری شد. سؤالات مصاحبه با همکاری اساتید معتبر این حوزه طراحی گردید و برای اطمینان از روایی آن، با دو نفر از کارشناسان این زمینه مشورت شد و پس از تأیید، مورداستفاده قرار گرفت.

در ابتدا، اطلاعات جمعیت‌شناختی شامل مقطع تحصیلی، جنسیت، سابقه پژوهش در زمینه موردمطالعه، محل فعالیت و مدت‌زمان سابقه کاری بررسی شد. مصاحبه‌ها با یک سؤال باز آغاز شد (به نظر شما، ازدواج پر خطر چه ویژگی‌هایی دارد؟) و بر اساس پاسخ‌های شرکت‌کنندگان و اهداف پژوهش ادامه یافت. زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۵۰ دقیقه متغیر بود و رضایت شرکت‌کنندگان برای ضبط مکالمات به‌صورت کلامی اخذ گردید. همچنین به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات مطرح‌شده محفوظ خواهد ماند و برای حفظ حریم خصوصی، هر فرد با یک کد شناسایی مشخص خواهد شد.

به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از روش براون و کلارک که شامل ۶ مرحله می‌باشد (کرناسی و آکسون[3]، ۲۰۲۳)، استفاده شده است. در ابتدا متن مصاحبه به‌صورت مکتوب درآمد و سپس موردبررسی قرار گرفت و فرایند کدگذاری انجام شد. در مرحله سوم، شباهت‌ها و تفاوت‌های کدگذاری انجام‌شده موردبررسی قرار گرفتند و هر چند کد مشابه در یک مضمون فرعی یا تم جای گرفتند. پس از این مرحله، مضامین فرعی مشابه گردآوری و سپس با استفاده از تحقیقات پیشین و مبانی نظری موجود، مضامین اصلی نام‌گذاری شدند، به‌گونه‌ای که هر مضمون اصلی شامل چند مفهوم فرعی بود. در نهایت، گزارش هر یک از مضامین به‌تفصیل آورده شده است. جهت اعتبارسنجی و صحت اعتبار داده‌ها از شاخص اعتبار گوبا و لینکون[4] (۱۹۹۴) استفاده شده است، به این صورت که پس از به نوشتار درآوردن متن مصاحبه‌ها، فایل‌های ضبط شده مجدداً موردبررسی قرار گرفتند تا صحت‌وسقم مطالب تأیید یا مورد تغییر قرار گیرد و کدها واقعاً نمایانگر گفته‌های شرکت‌کنندگان باشند. برای اطمینان از اعتبار و دقت داده‌ها، پژوهشگر سعی کرد تاحدامکان از پیش‌فرض‌های خود در فرایند جمع‌آوری اطلاعات اجتناب کند. به‌منظور افزایش قابلیت اطمینان و کیفیت داده‌ها، از نظارت و مشاوره همکاران متخصص، شامل اساتید راهنما و مشاوران، بهره‌گیری شد. همچنین، متن مصاحبه‌ها برای ارزیابی کدگذاری‌ها به اساتید و راهنما ارائه گردید. برای افزایش قابلیت تعمیم نتایج، تلاش شد تا در انتخاب شرکت‌کنندگان، از مشاوران خانواده شهر تهران جهت گستردگی تنوع فرهنگی ساکن در اولویت پژوهشی قرار گیرند تا نمایانگر طیف گسترده‌تری از تجارب و دیدگاه‌ها باشد.

یافته ها

تعداد مشاورانی که در حوزه ازدواج و زوج‌درمانی مشغول به فعالیت بوده‌اند و در این پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفتند ۲۱ نفر بودند، میانگین سابقه کاری افراد شرکت‌کننده ۵۷/۱۲ سال می‌باشد، به‌طوری‌که حداکثر سابقه کاری در میان شرکت‌کنندگان ۴۰ سال و حداقل سابقه کاری ۵ سال بود. از تعداد کل شرکت‌کنندگان،۱۲ نفر (۵۷/۱۴ درصد) مرد و ۱۰ نفر (۶۱/۴۷ درصد) زن بودند. ۲۰ نفر از شرکت‌کنندگان دارای مدرک دکتری مشاوره بودند و ۱ نفر دارنده مدرک دکتری روان‌شناسی بود. همچنین، ۸۵/۴۲ درصد دارای پژوهش در زمینه ویژگی‌های

1- Purposive sampling
2 -Semi-structured interview
3- Cernasev & Axon
4 - Guba & Lincoln

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

شخصیتی زوجین بودند و ۴۷/۹۰ درصد در تهران مشغول فعالیت بودند. پس از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، در ادامه به این سؤال پژوهش پاسخ داده شده است که «ازدواج پر خطر چگونه ازدواجی است؟». پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها، مضامین اصلی، مضامین فرعی و مفاهیم اولیه به شرح جدول ۱ استخراج شد.

جدول شماره ۱:مضامین اصلی، مضامین فرعی، مفاهیم اولیه ازدواج‌های پر خطر

مضامین اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه
عوامل درون‌فردی	چالش‌های روان‌شناختی	ترومای روانی
		آسیب درمان نشده ازدواج قبلی
		سبک دلبستگی ناایمن زوجین
		طرحواره‌های ناسازگار اولیه
	اختلالات روان‌شناختی	اختلال شخصیت
		انحرافات جنسی
		اختلال جنسی
		اعتیاد (مواد و الکل)
	مسائل شخصیتی	ناپختگی شخصیتی در ازدواج
		تیپ شخصیتی متفاوت
	مسائل جسمانی و بیولوژیکی	بیماری جسمی
		بیماری مقاربتی
		سابقه اختلال روانی و جسمی در خانواده مبدأ
	انتخاب تک‌بعدی	صرفاً رفع نیاز جنسی
		اکتفا به ثروت و مادیات
		اکتفا به‌عنوان شغلی
		اکتفا صرفاً به احساس و علاقه
	ضعف بلوغ اقتصادی	عدم استقلال مالی آقا
		وجود بدهی‌های مالی آقا
عوامل بین‌فردی	تعارض با خانواده اصلی	ارتباط ناکارآمد با خانواده مبدأ
		ازدواج باوجود مخالف خانواده
		دخالت خانواده مبدأ
	تمایز نیافتگی	عدم مرزبندی با خانواده مبدأ
		وابستگی به خانواده مبدأ
		عدم آمادگی عقلی و هیجانی قبل ازدواج
	عدم تعهد	روابط فرازناشویی
		روابط موازی
	تعامل معیوب با همسر	عدم حل تعارض
		عدم مهارت همدلی
		عدم صمیمت کلامی
		برآورده‌نشدن نیاز عاطفی
	رفتارهای آسیب‌زا	رابطه جنسی قبل ازدواج
		ارتباط با پارتنرهای متعدد قبل ازدواج
	ازدواج ناکارآمد	مورد پسند واقع‌شدن پدر یا مادر
		ازدواج زودهنگام
		ازدواج اجباری
	آگاهی ناقص	زمان محدود آشنایی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

عوامل برون فردی	عدم کفویت	شناخت ناکافی از خویش و شریک
		بعد مسافت برای آشنایی
		تفاوت فرهنگی
		اختلاف طبقاتی خانواده‌ها
		تفاوت اعتقادی و مذهبی زوجین
		تفاوت در سابقه ازدواج
		اختلاف سنی بالا

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، تجزیه‌وتحلیل داده‌های کیفی درارتباط‌با ازدواج پر خطر منجر به تولید ۳ مضمون اصلی؛ الف: عوامل درون‌فردی، ب: عوامل بین‌فردی، ج: عوامل برون فردی و ۱۴ مضمون فرعی و ۴۵ مفهوم اولیه گردید.

الف) عوامل درون‌فردی

منظور از عوامل درون‌فردی، مسائل و چالش‌های فردی و شخصیتی زوجین در ازدواج‌های پر خطر می‌باشد. این مضمون شامل مضامین فرعی ۱- چالش‌های روان‌شناختی، ۲- اختلالات روان‌شناختی، ۳- مسائل شخصیتی، ۴- مسائل جسمانی - بیولوژیکی، ۵- انتخاب تک‌بعدی و ۶- ضعف بلوغ اقتصادی می‌باشد.

الف-۱- **چالش‌های روان‌شناختی**: اکثر شرکت‌کنندگان به نقش تروما و چالش‌های روان‌شناختی که حل‌وفصل نشده‌اند، در روند سازگاری و پایداری زناشویی اشاره داشتند. این مضمون شامل مفاهیم ترومای روانی، آسیب درمان‌نشده ازدواج قبلی، سبک دلبستگی ناایمن، طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌شود. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۱۲ افزود: «خانم یا آقایی که سبک دلبستگی‌شان ایمن نیست، مثلاً دیروز مراجعی داشتم که خانم به‌شدت سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی بود. رابطه‌شان رو بررسی می‌کردم، این‌ها مرتب قهر و آشتی داشتن، کاملاً بد، یک وقت‌هایی خوب و یک وقت‌هایی کاملاً بد».

الف-۲- **اختلالات روان‌شناختی**: اکثر شرکت‌کنندگان یکی از موارد بسیار مؤثر در انحلال رابطه زناشویی را اختلالات روانی می‌دانستند. این مضمون شامل مفاهیم اختلال شخصیت، انحرافات جنسی، اختلال جنسی، اعتیاد (مواد و الکل) می‌باشد. دراین‌رابطه یکی از شرکت‌کننده شماره ۱۱ افزود: «ازدواج‌هایی که رابطه جنسی در آن به مخاطره افتاده، کسی که بیان می‌کند ۱۰ساله ازدواج کردم و رابطه جنسی وجود ندارد و خیلی اتفاقی باردار شده، ولی هیچ رابطه جنسی وجود نداشته، خب این یک ازدواج پرخطره».

الف-۳- **مسائل شخصیتی**: مسائل شخصیتی در جنبه‌های مختلف زناشویی اعم از سبک‌های ارتباطی، نیازهای روان‌شناختی و مسائل مدیریتی نمایان می‌شود. این مضمون مفاهیم ناپختگی شخصیتی در ازدواج، تیپ شخصیتی متفاوت را شامل می‌شود. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۱۳ افزود: «ازدواج با ویژگی‌های شخصیتی مختلف خطرآفرین، مثلاً خانمی که دوست داره هر ماه مسافرت بره، مثلاً مسافرت ۵ یا ۶ ساعته تا دریا، ولی آقا وقتی نوجوئی‌اش پایین هست، مسافرت برایش زیادیه، خب این به‌مرور جدایی و کناره‌گیری میاره».

الف-۴- **مسائل جسمانی – بیولوژیکی**: اکثر شرکت‌کنندگان به تأثیرات بیماری‌های جسمی که ناشی از محیط یا ژنتیک هستند، در ثبات زناشویی اثرگذار می‌دانستند. این مضمون شامل مفاهیم بیماری جسمی، بیماری مقاربتی و سابقه اختلال روانی در خانواده مبدأ اشاره دارد. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۲ افزود: «برخی از آنها سابقه بیماری‌های خطرناک دارند، مثل ایدز که جزء پرخطرها محسوب می‌شود».

الف-۵- **انتخاب تک‌بعدی**: برخی از شرکت‌کنندگان به نقش معیارهای انتخاب همسر در تداوم زندگی زناشویی اشاره داشتند. این مضمون شامل مفاهیم صرفاً رفع نیاز جنسی، اکتفا به پول و مادیات، اکتفا به‌عنوان شغلی، اکتفا به احساس و علاقه می‌باشد. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۱ افزود: «بعضی‌ها ازدواج عاشقانه (عشق شورانگیز) دارند و چشمشان روی بقیه موارد می‌بندند، این خوب نیست و آسیب‌زاست».

الف-۶- **ضعف بلوغ اقتصادی**: برخی از شرکت‌کنندگان نقش عوامل اقتصادی را یکی از مهم‌ترین فاکتورهای ازدواج پر خطر می‌دانستند. این مضمون شامل مفاهیم عدم استقلال مالی و وجود بدهی‌های مالی آقا می‌باشد. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۱۱ اشاره داشت: «مثلاً ازدواج‌هایی که به‌واسطهٔ نداشتن درآمد آقا مختل میشه و یا خرجشان رو پدر یا مادر آقا می‌دهند که بابی می‌شود برای دخالت و مخارج».

ب) عوامل بین‌فردی

منظور از عوامل بین‌فردی، تعاملات و ارتباطات ناکارآمد شخص با همسر و دیگران می‌باشد. این مضمون شامل مفاهیم فرعی ۱- تعارض با خانواده اصلی، ۲- تعامل معیوب با همسر، ۳- تمایز نیافتگی، ۴- عدم تعهد و ۵- رفتارهای آسیب‌زا را شامل می‌شود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

ب-۱- **تعارض با خانواده اصلی**: برخی از شرکت‌کنندگان شیوه ارتباط افراد با خانواده اصلی را موارد مؤثر می‌دانستند. این مضمون شامل مفاهیم ارتباط ناکارآمد با خانواده مبدأ، ازدواج باوجود مخالفت خانواده و دخالت خانواده می‌شود. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۸ افزود: «یکی از عوامل اصلی که من تو زوج‌های پرخطر می‌بینم و مشکلات عمیقی دارند با همسرشان، ارتباط معیوب و ناکارآمدی با پدر و مادرشان داشتن».

ب-۲- **تعامل معیوب با همسر**: به نحوه ارتباط و رفتار در رابطه که منجر به بروز مشکلات و تنش در رابطه زوجین می‌شود اشاره دارد. این مضمون به مفاهیم عدم حل تعارض، عدم مهارت همدلی، عدم صمیمیت کلامی، برآورده‌نشدن نیاز عاطفی اشاره دارد. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۴ افزود: «بخشی از ازدواج پرخطر به این ارتباط داره که آیا بابت ترمیم و اصطلاحاً ساخت‌وسازش انرژی بذاره».

ب-۳- **تمایز نیافتگی**: برخی از شرکت‌کنندگان به شیوه استقلال فرد از خانواده اصلی در بروز اختلاف زوجی اذعان داشتند. این مضمون مفاهیم عدم مرزبندی با خانواده مبدأ، وابستگی به خانواده مبدأ، عدم آمادگی عقلی و هیجانی قبل از ازدواج را در برمی‌گیرد. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۱۰ افزود: «ازدواجی که طرفین نمی‌توان حریمی با خانواده خودشان بذارن، مثلاً حتماً باید خونشان نزدیک باشه یا برای هر چیزی اجازه بگیرند برن یا نرن».

ب-۴- **عدم تعهد**: به عدم پایبندی و وفاداری به تعهدات در رابطه زناشویی اشاره دارد. این مضمون شامل مفاهیم روابط فرازناشویی و روابط موازی می‌شود. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۱۵ افزود: «ازدواجی که طرف مقابل خیانت می‌کند».

ب-۵- **رفتارهای آسیب‌زا**: به رفتارها یا الگوهای رفتاری آسیب‌زای پیش از ازدواج اشاره دارد. این مضمون شامل مفاهیم رابطه جنسی پیش از ازدواج و ارتباط با پارتنرهای متعدد پیش از ازدواج را شامل می‌شود. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۱۶ افزود: «زوجی بودن که پیش از ازدواج رابطه جنسی داشتند، چون پیش از ازدواج رابطه جنسی باشه، اون رابطه از دلبستگی تبدیل می‌شود به وابستگی و اون‌وقت این ازدواج خیلی پرخطر خواهد بود».

ج) عوامل برون فردی

این مضمون اصلی شامل مضامین فرعی چون ازدواج ناکارآمد، آگاهی ناقص، عدم کفویت ازدواج می‌باشد.

ج-۱- **ازدواج ناکارآمد**: اکثر شرکت‌کنندگان بیان داشتند ازدواجی که طرف مقابل موردعلاقه و انتخاب فرد نباشد، باعث آسیب فردی و زوجی می‌شود. این مضمون شامل مفاهیم فقط مورد پسند واقع‌شدن پدر یا مادر، ازدواج اجباری، ازدواج باوجود اختلال روانی و ازدواج زودهنگام می‌باشد. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۱۱ افزود: «ازدواج‌هایی که دخترخانم یا آقاپسر در شرایط سختی قرار می‌گیرند، جهت‌پذیرش کسی که بهش علاقه‌مند نیستند و یا مد نظرشان نیست و بنا به دلایلی، پدر یا مادر در اون شرایط قرار می‌دهند یا احساسات رو تحریک می‌کند».

ج-۲- **آگاهی ناقص**: اکثر شرکت‌کنندگان به نقش عدم شناخت لازم و کافی طرفین در بروز ازدواج ناموفق اشاره داشتند. این مضمون شامل مفاهیم زمان محدود آشنایی، شناخت ناکافی از خویش و شریک و بعد مسافت برای آشنایی می‌باشد. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۸ افزود: «ازدواج از راه دور داشتند و صرفاً با صحبت تلفنی با هم آشنا شدند و منجر به جدایی شد، چون نمی‌شناختند طرف مقابل را».

ج-۳- **عدم کفویت**: به عدم تطابق و تناسب بین طرفین در جنبه‌های مختلف زندگی اشاره دارد. این مضمون به مفاهیم تفاوت فرهنگی، تفاوت اعتقادی و مذهبی زوجین، اختلاف طبقاتی خانواده‌ها، تفاوت سابقه ازدواج و اختلاف سنی بالا اشاره دارد. دراین‌رابطه شرکت‌کننده شماره ۱۶ افزود: «ازدواجی که بین خانواده‌های طرفین از نظر جایگاه اجتماعی و مالی تفاوت وجود داشته باشه، پر خطره».

بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی این پژوهش واکاوی ازدواج پر خطر از نگاه مشاوران خانواده بود. یافته‌های پژوهش نشان داد ازدواج پر خطر در سه‌طبقه کلی الف) عوامل درون‌فردی، ب) بین‌فردی و ج) عوامل برون فردی قابل‌شناسایی است که در ادامه به تبیین یافته‌ها پرداخته می‌شود.

عوامل درون‌فردی یکی از مضامین اصلی ازدواج‌های پر خطر می‌باشد. برای عوامل فردی؛ چالش‌های روان‌شناختی، اختلالات روان‌شناختی، مسائل شخصیتی، مسائل جسمانی و بیولوژیکی، انتخاب تک‌بعدی و ضعف بلوغ اقتصادی استخراج گردید. این یافته با پژوهش‌های وانگ و چن[1]

1- Wang & Chen

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

(۲۰۲۴)، استوار[1] (۲۰۲۴)، کاور و همکاران [2] (۲۰۲۴)، پژوهش چن و لی[3] (۲۰۲۳)، گالاتی و همکاران[4] (۲۰۲۳)، یوسف زای و همکاران[5] (۲۰۲۴)، اپستولو و وانگ[6](۲۰۲۵) و نگوین و تران[7] (۲۰۲۳) همسو بوده است،که درادامه به آنها اشاره شده است.

در پژوهش وانگ و چن (۲۰۲۴) مشکلات شخصیتی، عدم بلوغ عاطفی - فکری و اختلالات عاطفی و روانی را جز عوامل روان‌شناختی تأثیرگذار بر انحلال رابطه زناشویی می‌شمارد. به‌طوری‌که وجود عواملی مانند ازدواج باوجود افسردگی، اختلال دوقطبی و مرزی با تأثیرگذاری بر روند بهزیستی عاطفی زوجین باعث بروز تنش و تعارض می‌شود، علاوه بر اختلالات روانی بیماری‌های جسمی و مقاربتی نیز زندگی زناشویی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد که هر دوی این عوامل (اختلال روانی و بیماری جسمی) می‌تواند نشئت‌گرفته از شرایط ژنتیکی یا اکتسابی باشد. عوامل فردی مؤثر دیگر حاکی از نقش تجارب متعدد فقدان، شکست و محرومیت‌های هیجانی بر تعاملات متقابل زوجین می‌باشد (استوار،۲۰۲۴)، به صورتی که طرحواره رهاشدگی زنان با کاهش رضایت عاطفی برای هر دو شریک همراه است (کاور و همکاران، ۲۰۲۴). دیگر مؤلفه عوامل فردی مسائل شخصیتی است که در مواردی مانند، صفت‌های برون‌گرایی و درون‌گرایی، تفاوت در شیوه‌های تفکر، حل مسئله، مدیریت هیجانات و سبک‌های ارتباطی زوجین نمود پیدا می‌کند، این یافته با پژوهش چن و لی (۲۰۲۳) همسو است که به تأثیرات صفات و ویژگی‌های شخصیتی در بروز نارضایتی و اختلافات زوجین پرداخته است. اختلال در عملکرد جنسی از دیگر عوامل مؤثر است (گالاتی و همکاران، ۲۰۲۳) به‌طوری‌که ناتوانی در مشارکت کامل درگیری جنسی رضایت‌بخش، می‌تواند توصیف کاملی از اختلال در عملکرد جنسی باشد، اگرچه این شرایط به‌ندرت سلامت جسمی را تهدید می‌کند، اما می‌تواند پیامدهای روانی مضری مانند ناامیدی، اضطراب، درماندگی و کاهش بهره‌وری داشته باشد و نارضایتی زناشویی و پریشانی روانی از عوارض اجتناب‌ناپذیر یک رابطه زوجی با اختلال عملکرد جنسی می‌باشد که اغلب باعث طلاق و جدایی می‌شود (یوسف زای و همکاران، ۲۰۲۴).مشکلات مالی و اقتصادی (اپستولو و وانگ،۲۰۲۵) نیز که یکی از پرتکرارترین عوامل در بروز ناسازگاری و مشکلات میان زوجین می‌باشد . وجود بدهی‌های مالی آقا و وابستگی اقتصادی عوامل خطرآفرین محسوب می‌شود و در اکثر اوقات نشانه‌ای از وجود این موارد در پیش ازدواج و هنگام ازدواج را می‌توان به عدم بلوغ و سوءمدیریت اقتصادی نسبت داد و از سویی وابستگی مالی به خانواده اصلی می‌تواند مسبب دخالت و تجسس خانواده همسر در مسائل زوجینی شود و چالش‌هایی را برای آنان رقم بزند، این یافته با پژوهش نگوین و تران (۲۰۲۳) همسو است که به تأثیرات این مهم بر روابط زوجی پرداخته است. با توجه با نتیجه پژوهش و ذکر یافته‌های پژوهشی دیگر به نظر می‌رسد عوامل مربوط به شخص و مسائل درون‌فردی که به‌نوعی چالش‌ها و مسائل روان‌شناختی و جسمانی را در برمی‌گیرد، یکی از عوامل خطرآفرین در امر ازدواج و زناشویی به شمار می‌رود.

عوامل بین‌فردی یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در بروز ازدواج پر خطر، عوامل بین‌فردی شامل تعارض با خانواده اصلی، تمایز نیافتگی، عدم تعهد زناشویی، تعامل معیوب با همسر رفتارهای آسیب‌زای قبل ازدواج می‌باشد. این یافته با پژوهش‌های اوگان و همکاران[8] (۲۰۲۴)، اسمیت و جانسون[9] (۲۰۲۴)، سینگ و شان بانگ[10] (۲۰۲۵). موزاس النسو و همکاران[11] (۲۰۲۲)، فینزی و دوتان[12] (۲۰۲۳)، تامپسون و دیویس[13] (۲۰۲۴)، اسمیت و ولفینجر[14] (۲۰۲۴) همسو بوده است،که در ادامه به آنها اشاره شده است.

در پژوهش اوگان و همکاران (۲۰۲۴) نشان‌داده‌شده است که عوامل بین‌فردی مؤثر شامل مفاهیم نقص در مهارت‌های ارتباطی، عوامل خانوادگی و دخالت اطرافیان می‌باشد. عدم برقراری ارتباط مؤثر فرد با اعضای خانواده خویش می‌تواند زنگ خطری برای زندگی زناشویی شود و شیوه انطباق و الگوی رفتاری زوجینی را تحت‌تأثیر قرار دهد؛ به‌گونه‌ای که کارکرد ناسالم خانواده اصلی سبب‌ساز ناسازگاری زناشویی می‌شود. این یافته با پژوهش اسمیت و جانسون (۲۰۲۴) نیز هم راستا است، در این پژوهش یکی از عواملی که بر ارتباط و تعامل فرد با همسر خویش تأثیر می‌گذارد، تجارب و رفتار فرد با خانواده اصلی‌اش برشمرده است. دخالت اطرافیان یا عدم به‌رسمیت‌شناختن زندگی زوجین توسط خانواده اصلی از دیگر عوامل مؤثر است که مختل‌شدن زندگی زوجی و ایجاد سوگیری در رفتار و شناخت نسبت به همسر را در پی دارد (سینگ و شان بانگ،۲۰۲۵). مضمون تمایز نیافتگی به دلیل نقص در حفظ استقلال از خانواده اصلی رخ می‌دهد. این یافته با پژوهش موزاس النسو و همکاران (۲۰۲۲) هم جهت است. این امر تنش زناشویی ایجاد می‌کند به این صورت که اگر یکی از همسران تمایزنیافته باشد و دیگری مستقل عمل کند، همسر تمایزنیافته او را غیرمنعطف می‌بیند. این موضوع فاصله عاطفی و تعارض زوجی را افزایش می‌دهد (فینزی و دوتان، ۲۰۲۳). سطح

1 - Ostovar
2- Kover.et al
3 -Chen & Li
4 - Galati.et al
5 - Yousefzai.et al
6- Apostolou & Wang
7 - Nguyen & Tran
8- Ogan.etal
9- Smith & Johnson
10- Singh & Shanbhag
11-Mozas-Alonso.et al
12 - Finzi-Dottan
13- Thompson & Davis
14- Smith & Wolfinger

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

تمایز هر همسر رفتار عاطفی و عملکرد زوجی را شکل می‌دهد. مضمون ارتباط فرازناشویی و بی‌تعهدی در زندگی زوجینی می‌تواند تعیین‌کننده ازدواج بی‌ثبات باشد به‌گونه‌ای که پژوهش تامپسون و دیویس (۲۰۲۴) نیز این مهم را در پژوهش خود خاطرنشان کرده‌اند که عوامل رابطه‌ای اعم از پیمان‌شکنی و روابط فرازناشویی، در ازدواج ناپایدار و پر تنش نقش بسزایی دارند. تحقیقات مبنی بر این است رابطه جنسی قبل ازدواج به طور مستقیم بر روابط جنسی زناشویی و به طریق غیرمستقیم، باواسطه گری بر نگرش مثبت یا عادی‌انگاری روابط فرازناشویی بعد ازدواج رابطه مثبت معناداری دارد، به طریقی که روابط جنسی قبل از ازدواج با همان فرد یا افراد دیگر زمینه بروز خیانت زناشویی را تسهیل می‌کند (اسمیت و ولفینجر،۲۰۲۴) که این امر موجب فروپاشی و از هم گسستگی زوجینی می‌شود. مضمون تعامل معیوب با همسر باتوجه‌به آنکه برقراری ارتباط سالم و کارآمد به مهارت‌هایی همانند مهارت شنیداری، مدیریت هیجانی و درک متقابل نیازمند است، بنابراین عدم وجود و ارتقای مهارت‌های ارتباطی در تعاملات زوجی می‌تواند مسبب تعارض و درگیری بین زوجینی شود؛ بنابراین عوامل بین‌فردی که به‌نوعی ضعف در برقراری ارتباط مؤثر و کارآمد را در برمی‌گیرد سبب‌ساز انحلال و جدایی زوجین از یکدیگر می‌باشد.

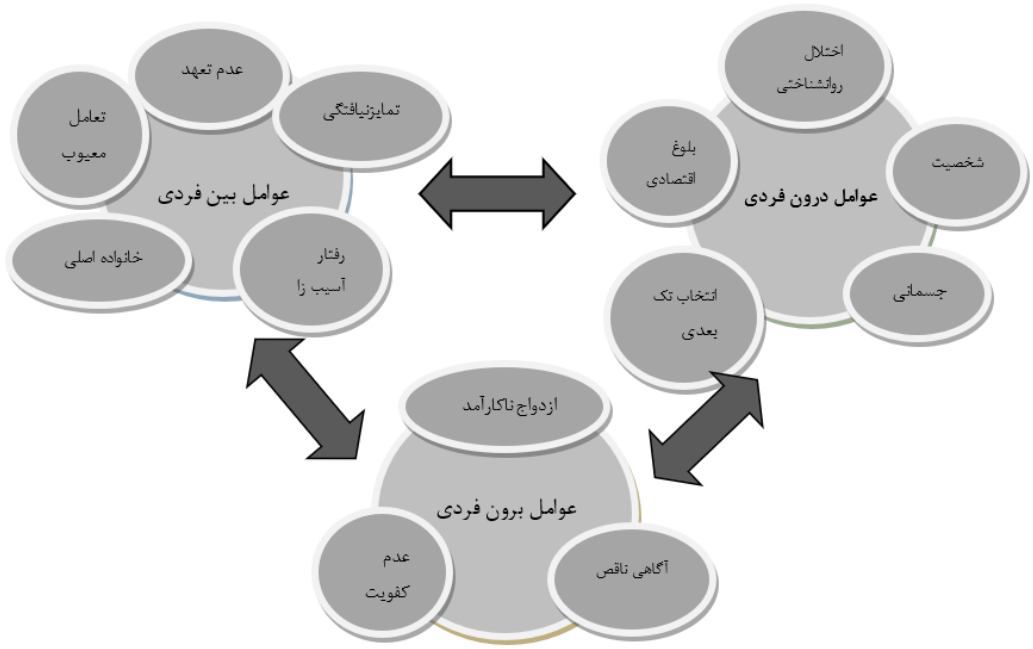
از دیگر عوامل مؤثر، عوامل برون فردی است که شامل مضامین ازدواج ناکارآمد، آگاهی ناقص و عدم کفویت می‌باشد. این یافته با کومار و شارما[1] (۲۰۲۴)، حسن و احمد[2] (۲۰۲۳)، تان و لیم [3] (۲۰۲۴)، لی و پارک[4] (۲۰۲۴) همسو بوده است، که درادامه به آنها اشاره شده است.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ازدواج اجباری و بدون عشق و علاقه، فقدان دوره نامزدی و شناخت اولیه، تفاوت سنی و اختلاف طبقاتی در اقدام زوجین به طلاق مؤثرند. به این صورت که نبود آشنایی کافی قبل ازدواج با تأثیرگذاری بر عدم شناخت نیازها، باورها، اهداف و توقعات فرد از شریک زندگی خویش باعث ناسازگاری و تشدید اختلافات بین زوجین می‌شود. در باب عدم کفویت که ناشی از عدم تطابق یا تناسب بین دو نفر در جنبه‌های مختلف اعم از فرهنگ، طبقه، مذهب و همسان نبودن در سابقه ازدواج طرفین می‌شود، پژوهش‌هایی اشاره داشته‌اند، به‌عنوان‌مثال عدم همسانی وضعیت تأهل قبلی، ازدواج فرد مجرد با مطلقه، بر بی‌ثباتی و ناپایداری زناشویی اثربخش است. فرهنگ و مسائل زمینه‌ای به عبارتی، اختلافات عمیق اجتماعی، بافتی؛ مانند گروه‌های خونی ناسازگار عمل کرده و به همان اندازه می‌تواند برای رابطه زناشویی مخرب، چالش‌زا و فرساینده باشد. این یافته با پژوهش تان و لیم (۲۰۲۴) که به نقش ازدواج‌های ناهمساز در بروز تعارض‌های زناشویی و گرایش به طلاق اشاره داشته است، همخوانی دارد. پژوهش لی و پارک (۲۰۲۴) نیز به این مهم اشاره کرده‌اند که؛ میان ناهمسانی اعتقادات مذهبی و سن پایین درزمان ازدواج با طلاق عاطفی ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارتی عدم توجه زوجین به الگوهای فرهنگی، قومیتی و نژادی زمینه بروز تنش‌ها و اختلافات زوجینی را افزایش می هد و بر کیفیت و رضایت زوجی اثرگذار است؛ بنابراین باتوجه‌به یافته پژوهش و نتایج پژوهش‌های دیگر، عوامل برون فردی زمینه‌های فرهنگی و موقعیتی را شامل می‌شود که در اثرگذاری به سمت‌وسوی ازدواج پر خطر و نافرجام نقش بسزایی دارند.

نخستین نوآوری این پژوهش، ارائه یک مدل مفهومی یکپارچه است که عوامل درون‌فردی، بین‌فردی و برون‌فردی را در قالب یک چارچوب منسجم ترکیب می‌کند (شکل ۱). این مدل، برخلاف مطالعات پیشین که عوامل را به‌صورت جداگانه بررسی کرده‌اند (مانند تمرکز بر عوامل روان‌شناختی در ولنگ و چن، ۲۰۲۴ یا عوامل اجتماعی در محمدی، ۱۴۰۰)، تعامل پویا بین این عوامل را نشان می‌دهد. برای مثال، مدل پیشنهادی نشان می‌دهد که چگونه چالش‌های روان‌شناختی درون‌فردی (مانند سبک دلبستگی ناایمن) می‌توانند به تعاملات معیوب بین‌فردی (مانند عدم حل تعارض) منجر شوند، و این تعاملات در بستر عوامل برون‌فردی (مانند تفاوت‌های فرهنگی) تشدید می‌شوند. این چارچوب یکپارچه، ، به مشاوران کمک می‌کند تا به‌صورت سیستمیک به مسائل زوجین نگاه کنند.

1- Kumar & Sharma
2- Tan & Lim
3 - Hassan & Ahmed
4- Lee & Park

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]



شکل۱-مدل مفهومی ازدواج پرخطر: "نشان‌دهنده تعامل پویا بین عوامل درون‌فردی، بین‌فردی و برون‌فردی بر اساس تحلیل مضمون مصاحبه‌های مشاوران خانواده"

بر اساس یافته‌های این پژوهش ازدواج پر خطر حاصل عوامل درون‌فردی، بین‌فردی و برون فردی می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان به عوامل شخصی، ارتباطی و محیطی در تأثیرگذاری به سمت‌وسوی ازدواج پر خطر اشاره داشت.

محدودیت این پژوهش به انجام مصاحبه تلفنی به دلیل دوری از شهرهای مورد نمونه موجب تسلط کمتر پژوهشگر بر فرایند مصاحبه شد و به دلیل انجام مصاحبه در شهر تهران و مشهد، در مناطق کمتر برخوردار می‌تواند تعمیم‌دهی نتایج را تحت‌تأثیر قرار دهد. ازدواج پر خطر دلایل مختلفی دارد که لازم است در جریان مشاوره پیش از ازدواج و زوج‌درمانی و مشاوره طلاق به این موارد توجه گردد. برخی از مشاوران در جریان مشاوره زوجی صرفاً یک یا دو جنبه از این عوامل را در نظر می‌گیرند که می‌تواند تأثیرات سویی بر کارآمدی جلسات مشاوره خصوصاً مشاوره پیش از ازدواج بگذارند. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی به پیامدهای ازدواج پر خطر در زوجین پرداخته شود. این تحقیق باتوجه‌به نمونهٔ جدید و متمرکز بر متخصصان حوزه ازدواج و زوج می‌تواند، راهنمایی برای درمانگران و مشاوران این حوزه باشد. از دیگر راهکارهای مورداستفاده این پژوهش می‌توان به موارد زیر اعم از؛ آموزش و فرهنگ‌سازی شناخت قبل از ازدواج، آگاه‌سازی خانواده‌ها نسبت به وابستگی فرزندان و دخالت در زندگی آنان و آسیب‌های اجتماعی همچون ازدواج اجباری، اعتیاد و بیکاری اشاره داشت.

منابع

آسایش، م. ح، فرحبخش، ک.، سلیمی بجستانی، ح.، و دلاور، ع. (۱۳۹۶). تبیین تجارب و واکنش‌های عاطفی زنان قربانی بی‌وفایی همسر: یک مطالعه کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۶(۴)، ۳۵۵-۳۷۲. https://magiran.com/p1815246

آسایش، م.ح؛ وکیلی، م. ع؛ (۱۳۹۵). راهنمای تخصصی مشاوره قبل از ازدواج. انتشارات پژوهشگران نشر دانشگاهی. https://ketab.ir/Book/328B73AF-614B-4FD5-A3A0-8B699A1184BA

ترابی، ف.، بشارت، م. ع، و علی‌پور، ا. (۱۴۰۰). رابطه باورهای ارتباطی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با کیفیت زناشویی در زوجین شهر تهران. *روان‌شناسی کاربردی*، ۱۴ (۳)، ۴۵-۶۲. DOI: 10.34785/J012.2021.123

تقی‌زاده، م. (۱۴۰۳). چرخه‌های زندگی زناشویی و تصمیم به طلاق. *مطالعات جمعیتی*، ۸(۲)، ۳۴۹-۳۸۴. https://magiran.com/p2828669

ذره‌پرور، م.، و بنی فاطمه شهربابکی، ز. (۱۳۹۸). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر طلاق عاطفی در بین خانواده‌های کرمانی (مطالعه موردی مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره در شهر کرمان نیمسال دوم ۹۵-۹۶). https://civilica.com/doc/1281868

رمضانی‌فر، ح.، کلدی، ع.، و قدیمی، ب. (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۱۹ (۲)، ۱۶۷-۱۹۱. DOI: 10.22059/JWDP.2021.123456

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

رضازاده، س. م.، بهرامی احسان، ه.، فاضل، م.، و فلاح، م. (١٣٩٧). بررسی عوامل زمینه‌ای و علل مؤثر بر طلاق: یک تحلیل اکتشافی. *علوم روان‌شناختی*، *١٧*(٧١)، ٧٦٥-٧٧٤. https://www.magiran.com/p1947730

رهبری، ش.، نعیمی، ا.، & اسمعیلی، م. (١۴٠٠). شناسایی الگوهای ارتباطی در زنان دارای تعارض زناشویی: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده*، *١۵*(۵۵)، ٨٣-١١٣. https://www.civilica.com/P/182030

نصرتی، م.، و کریمی، ع. (١۴٠١). بررسی نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در گرایش به طلاق در میان زوجین شهر اصفهان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ٢٣(۴)، ١٢٧-١۵۴. https://sid. r/paper/1023456/fa.

محمدی، ز. (١۴٠٠). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با تمایل به طلاق در میان زنان بندر دیلم. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ١٠(٢)، ۵۵-٧٢. https://magiran.com/p2380026

Apostolou, M., & Wang, Y. (2025). Economic development and divorce rates: A non-linear perspective across 107 societies. *Social Sciences, 14*(3), Article 145. https://doi.org/10.3390/socsci14030145

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology, 3(2), 77–101. DOI: 10.1191/1478088706qp063oa

Cernasev, A., & Axon, D. R. (2023). Research and scholarly methods: Thematic analysis. *Journal of the American College of Clinical Pharmacy*, *6*(7), 751–755. https://doi.org/10.1002/jac5.1789

Chen, Z., & Li, Y. (2023). Attachment styles and marital conflict: A cross-cultural study in East Asian couples. *Family Process*, *62*(4), 1567–1583. https://doi.org/10.1111/famp.12845

Dehghanian, A., Rahimi, M., Mohsennezhad, S., & Aghazadeh, J. (2023). Presenting a cognitive-emotional model for assessing sexual dissatisfaction among Iranian women. *Proceedings of the 9th International Conference on Psychology, Counseling, and Educational Sciences, Tehran*. https://civilica.com/doc/1651379

Finzi-Dottan, R. (2023). The role of fear of intimacy as a mediator between self-differentiation and marital relationship satisfaction: A dyadic model. *The Family Journal*, *31*(3), 392–398. https://doi.org/10.1177/10664807231157094

Galati, M. C. R., Hollist, C. S., do Egito, J. H. T., Osório, A. A. C., Parra, G. R., Neu, C., & de Moraes Horta, A. L. (2023). Sexual dysfunction, depression, and marital dissatisfaction among Brazilian couples. *The Journal of Sexual Medicine*, *20*(3), 260–268. https://doi.org/10.1093/jsxmed/qdac027

Shifaw, Z. G. (2024). Marital communication as moderators of the relationship between marital conflict resolution and marital satisfaction. The American Journal of Family Therapy, 52(3), 249–260. https://doi.org/10.1080/01926187.2022.2086692

Gonzalez, M., & Perez, R. (2024). Interpersonal dynamics and attachment styles in high-risk marriages: A cross-cultural perspective. *Journal of Social and Personal Relationships*, *41*(6), 1456–1478. https://doi.org/10.1177/02654075241234567

Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.) , *Handbook of qualitative research* (pp. 105–117). https://us.sagepub.com/en-us/nam/home

Hakim, A., & Jannah, M. (2024). Factor analysis of high divorce rate in Ujung Tanjung Religious Court. *Enrichment: Journal of Multidisciplinary Research and Development*, *1*(11), 724–727. https://doi.org/10.61594/enrichment.v1i11.408

Hassan, S., & Ahmed, F. (2023). Religious beliefs and marital discord: A study in the Middle Eastern context. *Journal of Family Issues*, *44*(8), 2015–2033. https://doi.org/10.1177/0192513X221134567

Kover, L., Szollosi, G. J., Frecska, E., Bugan, A., Berecz, R., & Egerhazi, A. (2024). The association between early maladaptive schemas and romantic relationship satisfaction. *Frontiers in Psychology*, *15*, Article 1460723. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1460723

Kumar, P., & Sharma, R. (2024). Cultural norms and marital stability: A study of arranged marriages in India. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, *55*(3), 312–328. https://doi.org/10.1177/0022022123123456

Latifah, L., & Ritonga, I. (2022). Difference of divorce determination in Indonesia: A systematic literature review. *Jurnal Biometrika dan Kependudukan (Journal of Biometrics and Population)*, *11*(2), 223–235. https://doi.org/10.20473/jbk.v11i2.2022.223-235

Lee, H., & Park, J. (2024). Religious dissimilarity and early marriage: Their impact on emotional disconnection and marital instability. *Family Relations*, *73*(4), 1897–1914. https://doi.org/10.1111/fare.13012

Li, J., Wang, Q., & Zhou, X. (2024). Spousal religious difference, marital satisfaction, and psychological well-being of Chinese older adults. *Family Relations*, *73*(3), 2120–2133. https://doi.org/10.1111/fare.12959

Lim, W. M. (2024). What is qualitative research? An overview and guidelines. *Australasian Marketing Journal*, *32*(3), 256–267. https://doi.org/10.1177/14413582241264619

Martinez, L., & Kim, S. (2024). Lifestyle incongruence and marital conflict: A global study on the impact of cultural values and daily routines. *Family Relations*, *73*(3), 845–862. https://doi.org/10.1111/fare.12987

Monaro, S., Gullick, J., & West, S. (2022). Qualitative data analysis for health research: A step-by-step example of phenomenological interpretation. *The Qualitative Report*, *27*(4), 1040–1057. https://doi.org/10.46743/2160-3715/2022.5089

Mozas-Alonso, M., Oliver, J., & Berástegui, A. (2022). Differentiation of self and its relationship with marital satisfaction and parenting styles in a Spanish sample of adolescents' parents. PLoS ONE, 17(3), Article e0265436. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0265436

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

Naeem, M., Ozuem, W., Howell, K., & Ranfagni, S. (2023). A step-by-step process of thematic analysis to develop a conceptual model in qualitative research. *International Journal of Qualitative Methods, 22*, 1–18. https://doi.org/10.1177/16094069231205789

Nguyen, T. H., & Tran, L. M. (2023). Financial dependence on family and in-law interference: Implications for marital conflict and couple dynamics. *Journal of Social and Personal Relationships, 40*(5), 1456–1478. https://doi.org/10.1177/02654075221134589

Ogan, M. A., Monk, J. K., Thibodeau-Nielsen, R. B., Vennum, A., & Soloski, K. (2024). The role of emotional dysregulation in the association between family-of-origin conflict and romantic relationship maintenance. *Journal of Marital and Family Therapy, 50*(1), 28–44. https://doi.org/10.1111/jmft.12677

Ostovar, N. (2024). The role of early maladaptive schemas on the relationship between couples: A meta-analysis. Journal of Modern Psychological Researches, 19(74), 133–145. https://doi.org/10.22034/jmpr.2024.59614.5974

Pflieger, J. C., Richardson, S. M., Stander, V. A., & Allen, E. S. (2022). Risk and protective factors predictive of marital instability in U.S. military couples. *Journal of Family Psychology, 36*(5), 791–802. https://doi.org/10.1037/fam0000956

Rodriguez, A., & Thompson, C. (2024). Personality traits, ineffective communication, and emotional stress as predictors of marital discord: A longitudinal study. *Journal of Family Psychology, 38*(6), 921–938. https://doi.org/10.1037/fam0001234

Sa'adah, M. A., Atho'Mudzhar, M., Abdullah, A. G., & Subhan, Z. (2024). From financial to moral-ethical concerns: Changing pattern of divorce reasons at the Religious Court of Bekasi, Indonesia. *Al-Hukama': The Indonesian Journal of Islamic Family Law, 14*(2), 142–170. https://doi.org/10.15642/alhukama.2024.14.2.142-170

Singh, A., & Shanbhag, T. (2025). Parental interference and marital stability: A scoping review of sociocultural influences on Indian families. *Indian Journal of Community Medicine, 10*, 4103. ():10.4103/ijcm.ijcm_470_24 | *DOI:* 10.4103/ijcm.ijcm_470_24

Sitinjak, C. (2025). Cultural nuances and marital intimacy: Exploring sexual fantasies, communication, and personality in Indonesian couples. *Bulletin of Counseling and Psychotherapy, 7*(1). https://doi.org/10.51214/00202406814000

Smith, J., & Wolfinger, N. H. (2023). Premarital sexual experience and its impact on marital stability: The mediating role of attitudes toward infidelity. *Journal of Family Issues, 45*(3), 674–696. https://doi.org/10.1177/0192513X231155673

Smith, J. A., & Brown, K. L. (2023). The role of financial stress and economic inequality in marital dissolution: A longitudinal analysis. *Journal of Marriage and Family, 85*(4), 623–640. https://doi.org/10.1111/jomf.12912

Smith, J. A., & Johnson, K. L. (2024). Family of origin influence on marital adjustment: The mediating role of relational self-construal. Journal of Marriage and Family, 86(5), 1234–1250. https://doi.org/10.1111/jomf.12945

Song, Y., Liu, S., & Liu, Y. (2022). Family-of-origin triangulation and marital stability: A multiple mediation model. Social Behavior and Personality: An International Journal, 50(5), 1–10. https://doi.org/10.2224/sbp.11420

Tan, J., & Lim, W. (2024). Incompatible cultural values and marital instability: Evidence from Southeast Asian couples. Marriage & Family Review, 60(5), 456–473. https://doi.org/10.1080/01494929.2024.2314567

Thompson, L. E., & Davis, R. M. (2024). Infidelity as a catalyst for marital instability: A longitudinal study of relational dynamics. Journal of Marriage and Family, 86(2), 345–362. https://doi.org/10.1111/jomf.12987

Tönbül, Ö., & Özdemir, A. (2024). Childhood trauma and relationship satisfaction in married Turkish individuals: Mediating the role of attachment injuries. *The Family Journal*. Advance online publication. https://doi.org/10.1177/10664807241256667

Wang, Y., & Chen, X. (2024). Psychological distress and marital instability: The mediating role of emotional regulation difficulties. *Journal of Social and Personal Relationships, 41*(6), 1234–1256. https://doi.org/10.1177/02654075231234567

Yousefzai, H. A., Ismail, S. I. F., Hussain, S., & Alimuddin, A. S. (2024). Unveiling intimacy: Sexual dysfunction and marital satisfaction among Pakistani males in Karachi. *Sexual Medicine, 12*(6), Article qfae070. https://doi.org/10.1093/sexmed/qfae070

Zenoozian, S., Bayat, F., Soltani, A., Mirloo, M. M., & Kharaghani, R. (2024). The prevalence of sexual problems in the divorced population and the prevalence of separation in populations with sexual problems: A meta-analysis. International Journal of Impotence Research, 37(5), 347–355. https://doi.org/10.1038/s41443-024-00918-2

Zhang, C., & Liang, Y. (2023). The impact of education level on marital satisfaction: Evidence from China. *Social Sciences & Humanities Open, 7*(1), Article 100487. https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2023.100487

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]